

بزرگترین اختراعات تاریخ چگونه اتفاق افتاد؟

ثبت اختراع دستگاه پروژکتور به نام توماس ادیسون نتیجه یک دزدی آشکار بود.



ثبت اختراع دستگاه پروژکتور به نام توماس ادیسون نتیجه یک دزدی آشکار بود.

وب سایت [171#&آتلانتیک](#); با انتشار مقاله ای تاکید می کند باورهای متعارف در مورد اینکه هر یک اختراعات بزرگ تاریخ محصول تلاش و خلاقیت های یک نفر بوده اند افسانه ای بیش نیست. نه ادیسون به تنهایی لامپ را اختراع کرده و نه گراهام بل یک نفره تلگراف را اختراع کرده است.

مارک لملی، پژوهشگر تاریخ علوم در مقاله جدیدی تحت عنوان [171#&افسانه مخترعین](#) یک تاز; می نویسد که تمام اختراعات مهم در تاریخ معاصر محصول کار مستمر و همزمان دانشمندان و گروه های متفاوتی بوده است که در نتیجه آن به مرور هر یک از این اختراعات تکمیل شده اند.

او در این مقاله توضیح می دهد، بر خلاف آنچه که تاکنون ترویج و تدریس شده اکثر اختراعات قرن نوزدهم و بیستم اختراعات انفرادی نبوده و بنابراین در عالم واقعیت آنها را نمی توان به یک نفر نسبت داد و حتی شاید نتوان آنها را اختراع حقیقی نامید.

وب سایت [171#&آتلانتیک](#); سپس فشرده ای از چگونگی به تحقق پیوستن هفت مورد از این اختراعات مشهور را بررسی می کند.

تلگراف: داستان مربوط به کشف تلگراف با شام [171#&ساموئل مورس](#); آغاز می شود. وی به هنگام صحبت در مورد نیروی الکتریسته مغناطیسی با دوستان خود یک باره متوجه شد که اگر علائم الکتریکی می توانند در همان لحظه از طریق سیم سفر کنند، پس می توان اطلاعات را نیز از این طریق مخابره کرد. ولی این فقط یک داستان است.

حقیقت این است که افراد زیادی به غیر از [171#&ساموئل مورس](#); تقریباً همزمان با وی دستگاه تلگراف را اختراع کردند به طوری که دیوانعالی بریتانیا حاضر نشد این اختراع را به اسم یک نفر ثبت کند.

تلفن: در مورد تلفن هم مثل تلگراف، این اختراع به یک نفر یعنی [171#&الکساندر گراهام بل](#); نسبت داده شده است. ولی شاید تنها اختراع [171#&بل](#); این بود که علائم الکتریکی را به صدا تبدیل کند.

اما ساختن دستگاهی که بتواند چنین کاری را بکند یک گام بسیار طبیعی برای تکمیل تلگراف بود و به همین خاطر به طور همزمان تعداد زیادی مشغول کار روی اختراع چنین دستگاهی بودند. مثلاً [171#&فیلیپ رایز](#); در سال ۱۸۶۰ دستگاه مخابره صدا را ساخته بود و یک مخترع دیگر به نام [171#&فردیناند هلمهولتز](#); دستگاه گیرنده را ساخته بود. نقش [171#&گراهام بل](#); در حقیقت تقویت میزان گیرندگی این دستگاه بود تا بتواند همه صداها را دریافت کند. ولی او با پیروزی در به ثبت رساندن اختراع در مراجع قضایی و بازار یابی و ساخت این محصول توانست چنین جایگاهی در تاریخ اختراعات پیدا کند.

لامپ برق: همواره بر سر نقش توماس ادیسون در این اختراع اختلاف نظر وجود داشته است. ولی همه می دانند لامپ هایی که با نوعی کنش الکتریکی روشن می شوند قبل از ادعای ادیسون وجود داشته اند. به همین خاطر سازندگان قبلی این وسیله، که تعدادشان اندک هم نبود، از ادیسون به خاطر ثبت این اختراع به نام خود شکایت کردند. تنها چیزی که ادیسون به روند تکمیل این اختراع افزود کشف این نکته بود که نوعی از گیاه نی برای انتقال الکتریسته و تولید نور به نسبت مواد دیگری مثل کاغذهای آغشته به کربن، ظرفیت و میزان مقاومت بیشتری دارد.

پروژکتور سینما: داستان مربوط به پروژکتور سینما از همه موارد دیگر ساده تر است. اصل ماجرا در این مورد مشخص دزدیدن اختراع دیگران است. فردی به نام [171#&فرانسیس جنکینز](#); آنچه را که بعدها پروژکتور نام گرفت، یعنی دستگاهی که نوار مجموعه ای از عکس های به هم چسبیده را با سرعت یک بیست و چهارم ثانیه نشان می دهد، اختراع کرد. اما حامی مالی وی این دستگاه را دزدید و آن را به شرکت بزرگی که صاحب سالن های تئاتر و سینما بود فروخت.

این شرکت آن را [171#&ادیسون ویتاسکوپ](#); نامید فقط به این خاطر که در آن زمان اسم ادیسون مشهور بود و می

توانست به موفقیت این دستگاه کمک کند. آنچه که بعدها از قبل اختراع این دستگاه به توماس ادیسون نسبت داده می شد در حقیقت نتیجه یک دزدی آشکار بود.

اتومبیل: امروزه اکثر اتومبیل ها نام بنیانگذاران شرکت های تولیدکننده و یا طراحان و سازندگان اولیه آنها را بر خود دارند مثل بنز، پژو یا رنو. اما بسیاری از این شرکت ها قبل از تولید اتومبیل، سازنده دوچرخه بودند. صنعت اتومبیل سازی بهترین نماد و نمونه از تدریجی و گاه همزمان بودن شکل گیری اختراعات است. اولین کسانی که یک خودرو چهار چرخ و دارای موتور محرکه را ساختند «دایملر« و «مایباخ« بودند و چند دهه بعد هم «هنری فورد« روش تولید مدرن و انبوه اتومبیل را تکمیل کرد. خلاصه اینکه وسیله ای مثل اتومبیل بسیار پیچیده تر از آن بود که یک نفر به تنهایی بتواند خود را صاحب این اختراع بداند.

هواپیما: همیشه این طور گفته می شود که برادران «رایت« اولین کسانی بودند که توانستند یک ماشین سنگین تر از هوا را به پرواز درآورند. ولی تاریخ نشان داده که مخترعان بزرگ همیشه از آثار بزرگانی که قبل از آنها کار را شروع کرده بودند بهره گرفته اند.

در سال ۱۸۹۹ که آنها تحقیق در مورد تاریخ پرواز را شروع کردند اسنادی در مقابل آنها قرار گرفت که سابقه آن به لئوناردو داوینچی می رسید و با «اوتو لیلینتال« ختم می شد. اما آنها توانستند پیچیده ترین مشکل شئی پرنده یعنی حفظ ثبات آن را حل کنند و به این ترتیب اولین هواپیما به پرواز درآمد.

تلویزیون: اختراع تلویزیون به نام «فیلو تی . فارنزوورث« مشهور شده ولی این نه یک اختراع بود و نه به وی تعلق داشت. گروه کثیری از دانشمندان در سراسر جهان مشغول کار برای ساخت دستگاهی بودند که در حقیقت یک رادیوی تصویری باشد. یکی از موضوعات اصلی برای تکمیل چنین دستگاهی ساختن دستگاهی بود که با کمک پرتاب الکترون ها بتواند تصاویری را که دریافت می شوند روی یک صفحه منعکس کند.

«فارنزوورث« در سال ۱۹۲۷ توانست چنین دستگاهی را تکمیل کند. ولی برخلاف ادیسون او به فکر بازاریابی و تولید انبوه این وسیله ویا ثبت تلویزیون به نام خود نیافتاد. بنابراین باید گفت که «فارنزوورث« درحقیقت یکی از مخترعان تلویزیون است و نه تنها مخترع آن.

وب سایت «آتلانتیک« در پایان این مطلب به نقل از مقاله پژوهشی «مارک لملی« می نویسد که در کنار این موارد اختراعات دیگری بوده که واقعا و تماما محصول تلاش های انفرادی یک مخترع اند.

از جمله آنها می توان به کشف پنی سیلین توسط «الکساندر فلمینگ« و یا کشف فیلم توسط «لوئیس داکور« اشاره کرد. ولی در این دو مورد و موارد مشابه دیگری حوادث و گاه حتی اشتباهات این افراد باعث شده است که پژوهش های آنها به ثمر رسیده و کشف و اختراعی را به تنهایی تکمیل کنند.